

۱۹۸۸ - ۱۹۹۱

سید خان عزیزم - دوست من فرزند دیرینم

گرم ترکت سلام، که آن ترکت بوده که صمیمی ترین سیاست ما برابر نامه و کتابت مال بید برید .  
می دانید چه شد در بزرگی ایفتم نه وقتی بیرون از مدته شده سلامتی که گنگران آن بودم و نامه و کتابت  
رسید. از دیدار سه بیرون از ده سال، احساس خود بخوبی تمامم. در آنجا که روز آویز و خوشی در  
ایرک با هم در ایفتم. خنده و بازی که در کمال طاقوس آن، حتی مادرش و خاطره اش مرا  
مماختند و بی وقت مما آورد. کاشش دیدار مان که گوار می شد.

از کتابت مال که کام تازه ارد در آنار عزیز است، لذت بردم. حقد صمیمانه و  
طبعی، پراکنده محزون بود از بندار که در عین حال دلنشین و غم انگیز و عاقلانه است.  
واقعاً شوخ و مهربان را جاودانه کردید.

امید دارم در آن خوش سید عزیز زمان زندگی آرام و از نظر الهام ستمانه نالاکم  
دائمه بماند. خود را یاد بگوئید و کمی از آنهارا گاه ما برای خود و دوران بفرستید.  
گفتار در باره کتابت مال در روز پنجشنبه شد که یقین خود مان شنیده اید  
دلیم با هم "آرزو آتش در وطن و پیش شو است. این کم یک نوع سردستی است  
که آدم اجباراً از آنچه و آنچه دوست می دارد دور باشد. بهار بگید که افسردگی  
کرده بود و دو چشم که در این جا هستند، حویب ماندم در اینجا بگید. باید  
ساعت دهم سازیم. گذشته با دور می؟ گذشته است و چشم به آینده دیدار آتش  
دوخته ام و دیدار شما را آرزوی کم.

سلام به فرزندان ارجمندی. از ترانه خانم و آنار محبتا نامه در ایفتم  
که برودر بایستی خوانم ترکت. سلام گرم به آنان.

روسی هرانت و شکوفاتان را می بوسم

آرمانتان  
—  
—